

فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه

سال هفدهم (۱۳۹۴)، شماره ۳۱

بررسی پیوند حماسه و دین در خاوران‌نامه ابن حُسام خوسفی*

زهرا بهمدی^۱

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

دکتر حیدرعلی دهمرده

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

دکتر محمد مجوزی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

چکیده:

مولانا محمد بن حُسام خوسفی (تولد: ۷۸۲ یا ۷۸۳ هجری ق، وفات: ۸۷۴ یا ۸۷۵ هجری ق)، از جمله شاعرانی است که دست توانایی در شعر و شاعری بخصوص حماسه دینی داشته است. خاوران‌نامه او مبتنی بر ۲۲۵۰۰ بیت، در بحر متقارب، در ذکر مبارزات حضرت علی بن ابی طالب (ع) و جنگاوری‌های آن حضرت در سرزمین خاوران است و از بهترین نمونه‌های حماسه دینی در ادب فارسی به‌شمار می‌رود. وجود جنبه‌های قوی حماسی و دینی و پیوند عمیق بین حماسه و مسائل دینی از ویژگی‌های برجسته این اثر است. این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده، در پی بررسی جنبه‌های حماسی و دینی، با هدف نمایاندن پیوند حماسه و دین در خاوران‌نامه است. توجه به اصول و فروع دین، وجود قهرمانان و بزرگان آرمانی و دینی از قبیل پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و دعوت به اسلام، از خاوران‌نامه اثری دینی ساخته از سوی دیگر قهرمانان دینی از نیروها و ظرفیت‌های خارق‌العاده و مبالغه‌آمیز برخوردارند و از انواع و اقسام سلاح در نبردها استفاده می‌کنند، دشمن را می‌فریبند و از نیروها و ظرفیت‌های خارق‌العاده و مبالغه‌آمیز برخوردارند و از انواع و اقسام سلاح در نبردها استفاده می‌کنند، دشمن را می‌فریبند و از نیروهای غیبی و دیو و جادو مدد می‌گیرند، همه اینها خاوران‌نامه را اثری حماسی ساخته که در آن حماسه و دین با هم درآمیخته و به شکل یک حماسه دینی درآمده است.

واژگان کلیدی: خاوران‌نامه، ابن حُسام، حماسه‌سرایی، حماسه دینی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۹/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۸/۲۶

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: z.behmadi@yahoo.com

مقدمه

حماسه، شعری مبتنی بر توصیف اعمال و پهلوانی‌ها و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی است. دین نیز یکی از اصولی است که شاعران و سخنوران پیوسته به دفاع از آن برخاسته و حمیت دینداری خود را با سرودن اشعار دینی به اثبات رسانده‌اند. با گذشت قرن چهارم، که دوره طلایی نظم حماسه‌های ملی است، حماسه - سرایی روبه زوال می‌رود اما به واسطه تأثیری که شاهنامه فردوسی پس از مرگ استاد طوس در ادبیات فارسی می‌گذارد و از جمله، عده‌ای از شعرا را به تقلید از خود وامی - دارد، ابتدا حماسه‌های تاریخی جای حماسه‌های ملی را می‌گیرد و سپس حماسه‌های دینی مانند خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی به وجود می‌آید.

وقایع عظیم دینی مانند حوادث ملی، برخی هنرمندان و شاعران را به آفرینش حماسه‌های دینی برانگیخته است. پس از حمله مغول، فضای مذهبی و فکری ایران اندک‌اندک به سوی تشیع گرایش می‌یابد و در دوره تیموریان این توجه افزون‌تر می‌شود، تا اینکه در عصر صفویان به اوج خود می‌رسد. یکی از نتایج این تمایل مذهبی در ادب فارسی، سرایش منظومه‌های دینی خصوصاً درباره حضرت علی (ع) است و خاوران‌نامه ابن حسام نیز از آثار شیعه‌گرایی روزگار تیموریان است. در قرن نهم به دلیل ظلم و ستم قوم تاتار، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی خلق آثار حماسی فراهم گردید، اما به دلیل کم‌رنگ شدن گرایش‌های ملی و غلبه گرایش‌های مذهبی و دینی، قهرمان شکست‌ناپذیر آثار حماسی که سمبل آمال و آرزوهای مردم ایران بود، به شکل کاربرد شخصیت‌های دینی، نظیر پیامبر اسلام (ص) و بخصوص حضرت علی (ع) - یعنی یک واقعیت دینی - نمود یافته است.

خاوران‌نامه از منظومه‌های مهم حماسی ایران در قرن نهم هجری و از بهترین نمونه‌های حماسه دینی در ادب فارسی است و از ارزش شعری و مقام ممتازی برخوردار است. وجود جنبه‌های قوی حماسی و دینی و پیوند عمیق بین حماسه و مسائل دینی از ویژگی‌های برجسته این اثر به‌شمار می‌رود.

این پژوهش با فرضیهٔ «در خاوران‌نامه حماسه و دین با هم پیوند یافته است» به بررسی حلقه‌های اتصال حماسه و دین در این اثر می‌پردازد.

پیشینهٔ تحقیق

با عنایت به وجود آثار و مقالات زیاد در باب خاوران‌نامه و ابن حُسام خوسفی از قبیل: بازتاب حماسی انتظار در دیوان ابن حُسام (طاهره خوشحال دستجردی، اصفهان، ۱۳۸۱)، جلوه‌های حماسی، ملی و مذهبی در نگاره‌های خاوران‌نامه مکتب شیراز (زهرا شریعت، تهران، ۱۳۸۸) (با محور مسائل هنری) و تصویرآفرینی بلاغی در خاوران‌نامه (فریبا عطاشیبانی، تهران، ۱۳۹۲) (با محور مسائل بلاغی) به نظر می‌رسد که موضوع این پژوهش متمایز از مقالات فوق، بر آن است که ابتدا ویژگی‌های حماسی و پس از آن ویژگی‌های دینی خاوران‌نامه و در پایان پیوند حماسه و دین را بررسی نماید. به بیانی دیگر در پی اثبات این ادعاست که خاوران‌نامه حلقهٔ اتصال حماسه و دین است. شواهد ذکر شده گویای آن است که ابن حُسام می‌خواسته که قهرمانان اثر او علاوه بر ارزش‌های باطنی و معنویت و تقوای خاص خود، دارای ارزش‌های سلحشورانه و دلاورانه پهلوانان ملی نیز باشند تا کمال مضاعف بیابند.

ابن حُسام خوسفی

مولانا محمدبن حُسام خوسفی، شاعر و عارف نامدار قرن نهم هجری، در شهر خوسف، حدود چهل کیلومتری جنوب غربی شهر بیرجند در حاشیهٔ جادهٔ بیرجند - طبس به دنیا آمد. او شاعری آزاده و آزاداندیش بوده که شعر را نه به‌خاطر بهره‌مندی‌های مادی و تمتع دنیوی، بلکه به جهت نیاز درونی و اعتقادی و احساس رسالتی که بر دوشش سنگینی می‌کرده، سروده است. این شاعر دین‌دار و آرمان‌گرا شعر را وسیلهٔ فروکش کردن غلیان درونی خود می‌داند نه واسطه‌ای برای راه‌یابی به دربار حکام و سلاطین. منش والا و سیرهٔ پسندیدهٔ این عارف فرهیخته، مردم را به سوی او می‌کشانده است و منزل او به طور مداوم محل آمد و شد اهل دل و صاحبان معرفت بوده است.

ابن حُسام پس از عمری تلاش در راه کسب فضیلت و کمال و پیمودن فراز و نشیب این زندگی سخت و طاقت فرسا، سرانجام پس از سپری شدن نود و دو بهار از عمر گرانمایه‌اش، در مولد خود، «خوسف»، چشم از جهان فرو بست و بر بالای پشته - ای سنگی، معروف به «پای تخت»، واقع در قسمت‌های میانی اراضی کشتزار قصبه خوسف، روی در نقاب خاک کشید. در مورد تاریخ وفات مولانا محمد اختلاف وجود دارد. در تاریخ ادبیات صفا آمده که «دولت‌شاه و قاضی نورا... شوشتری وفات او را به سال ۸۵۷ ه ق نوشته‌اند ولی خواندمیر در حیب‌السیر آن را به سال ۸۹۳ ه ق دانسته است که این مورد اخیر غیر ممکن می‌نماید» (صفا، ۱۳۷۰: ص ۲۱۶). حسامی واعظ که از شاگردان مولانا بوده است مدت عمر او را ۹۲ سال ذکر می‌کند؛ یعنی برابر با سال ۸۷۴ یا ۸۷۵ هجری قمری. (واعظی، ۱۳۸۹، ص ۲۲)

اشعار مذهبی ابن حُسام و بویژه حماسه دینی خاوران‌نامه وی بر تارک فرهنگ و ادب ایران و اسلام درخشش خاصی داشته است.

خاوران‌نامه

خاوران‌نامه منظومه‌ای است در بحر متقارب، در ذکر مبارزات حضرت علی بن ابی طالب (ع) و جنگ‌آوری‌های آن حضرت در سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و ابوالمحن و جنگ با قباد، پادشاه خاور زمین و امرای دیگری مانند تهماسب شاه و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع. ناظم مدعی است که موضوع منظومه خود را از یک کتاب تازی انتخاب کرده است، و این خاصیت بیشتر کتب حماسی (ملی - تاریخی - دینی) ایران است که لامحاله مبتنی و مستند بر اصلی بوده و سازندگان آنها مستقیماً در نقل یا جعل روایات دخالتی نداشته‌اند.

یاحقی خاوران‌نامه را در میان حماسه‌های دینی به مثابه شاهنامه فردوسی در میان حماسه‌های ملی ارزیابی کرده است. (یاحقی، ۱۳۷۸، ص ۸)

در مورد منظومهٔ حماسی خاوران‌نامه باید گفت که علاوه بر هنرنمایی‌ها و ذوق-آزمایی‌های ابن حُسام در این منظومه، آنچه برای وی فضلی جداگانه به شمار می‌آید این است که او نخستین شاعری است که در باب شرح و توصیف جنگ‌های حضرت علی(ع) و سردارنش به سخن‌سرایی پرداخته است و نیز «بنا به نوشتهٔ محققان، خاوران-نامهٔ او آخرین تقلید مهم و قابل‌ذکری است که از شاهنامهٔ فردوسی به عمل آمده است». (ذکاء، ۱۳۴۳، ص ۱۷)

حماسه

حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال و پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد. (صفا، ۱۳۷۹، ص ۳)

از این گذشته ممکن است شاعر حماسه‌سرا موضوع خود را از تاریخ روزگار پیشین حیات یک قوم بردارد که دوران نبرد و مبارزهٔ شدید با موانع طبیعی و دشمنان همسایه و مهاجمان و معاندان بزرگ بوده، و یا از لحظات مهم تاریخی یک قوم که در عین تملدن دچار حوادث شگرف و انقلابات عظیم مذهبی و اجتماعی شده باشد. بنابراین دو نوع حماسه وجود دارد: ۱ - حماسه‌های اساطیری و پهلوانی مانند منظومهٔ حماسی رامایانا و مهابهارات متعلق به هندوان، منظومهٔ ایاتکار زیران و قسمت بزرگی از شاهنامه و بهشت گمشدهٔ میلتن و ...، ۲ - منظومه‌های حماسی تاریخی مانند گاه-نامه‌ها و یا منظومه‌هایی که در عین آن‌که مبتنی بر تصوّر و خیال است قسمت‌هایی از آن‌ها اثر ویرژیل و در زبان فارسی مانند ظفرنامه حمدالله مستوفی و ...

ممکن است موضوع حماسهٔ تاریخی زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی بوجود آمده باشد. این منظومه‌ها که بر اثر استادی و همچنین اعتقاد شدید دینی گویندگان آنها ممکن است گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا باشد نیز اغلب دارای بسیاری از خصائص

منظومه‌های حماسی است و از این جهت باید در شمار آثار حماسی ملل نام برده شود. ذبیح‌الله صفا این گونه منظومه‌های حماسی را که اتفاقاً در زبان فارسی نمونه‌های بسیاری مانند خاوران‌نامه ابن‌حسام و حمله حیدری باذل و کتاب حمله راجی و خداوندنامه صبا و اردیبهش‌نامه سروش و جز این‌ها دارد، منظومه حماسی - دینی می‌نامد» (صفا، ۱۳۷۹، ص ۷).

سیر حماسه‌ها

با گذشت قرن چهارم که دوره طلایی نظم حماسه‌های ملی است، حماسه‌سرایی رو به زوال می‌رود. همگام با انحطاط و زوال حماسه‌های ملی، به واسطه نفوذی که شاهنامه فردوسی پس از مرگ استاد طوس در ادبیات فارسی پیدا می‌کند و از جمله عده‌ای از شعرا را به تقلید خود وا می‌دارد، ابتدا «حماسه‌های تاریخی» نظیر اسکندرنامه نظامی گنجوی و یا آثاری چون شاهنشاه‌نامه مجدالدین محمد پاییزی (اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم)، ظفرنامه حمدالله مستوفی (متوفی ۷۵۰ هجری)، شهنشاه‌نامه احمد تبریزی (تاریخ ختم ۷۳۸ هجری)، شه‌نامه قاسمی (تاریخ ختم ۹۴۰ هجری) و شهنشاه‌نامه فتحعلی خان صبا (متوفی ۱۲۳۸ هجری) و... جای حماسه‌های ملی را می‌گیرد و سپس «حماسه‌های دینی» مانند: خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی (ف: ۸۷۵ هجری) و صاحبقران‌نامه (تاریخ تنظیم ۱۰۷۳) و حمله حیدری میرزامحمدرفیع‌خان باذل (ف: ۱۱۲۴ هجری) و مختارنامه عبدالرزاق دنبلی متخلص به مفتون (۱۱۷۶ - ۱۲۴۳ هجری) و... به وجود می‌آیند (رزمجو، ۱۳۶۸، ص ۱۰۶).

ویژگی‌های یک اثر حماسی

شمیسا ویژگی‌های یک اثر حماسی را این‌گونه بر می‌شمارد: ۱ - جنگاوری، بهادری و شه‌سواری ۲ - وجود حیوانات و جانوران غیر معمولی ۳ - اژدهاکشی ۴ - خاصیت جادویی و دارویی بعضی گیاهان ۵ - فوق طبیعی بودن قهرمان حماسه ۶ -

وجود نیروهای متافیزیکی و غیبی ۷ - گاهی گروهی از خدایان، طرفدار یک قهرمان و گروهی طرفدار قهرمان دیگرند ۸ - عشق ایزدبانوان به قهرمان ۹ - قومی، ملی یا نژادی بودن قهرمان ۱۰ - خارق‌العاده و غیرطبیعی بودن اعمال قهرمان و قابل‌سنجش نبودن با منطق متعارف ۱۱ - مواجهه قهرمان با ضدقهرمان در هر بخش از زندگی ۱۲ - رفتن قهرمان به سفرهای مخاطره‌آمیز ۱۳ - اعمال قهرمان حماسه‌اهمیت ملی یا معنوی و حکمی دارد ۱۴ - رجزخوانی و نبرد تن به تن قهرمان با ضدقهرمان ۱۵ - استفاده از انواع و اقسام سلاح در نبردهای تن به تن ۱۶ - کتمان نام و استفاده از فریب به عنوان یکی از ابزار جنگ ۱۷ - آینده بینی، پیش‌گویی و الهام در خواب ۱۸ - سخن از دیوان، غولان، جادوان و جادویی ۱۹ - الهام داستان از طریق الهه شعر یا موبد یا دهقان به شاعر ۲۰ - اقتدار، سادگی و عظمت شخصیت‌ها ۲۱ - سبک عالی، معنای جدی و الفاظ فاخر و سنگین (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۷۱).

شمیسا نام‌پوشی و کتمان نام را از آیین‌های اساطیری مربوط به حماسه می‌داند و آن را جزو موارد فوق به شمار نیاورده است (همان، ص ۸۲) ولی نگارندگان بر این باورند که این مورد را نیز می‌توان زیرمجموعه بحث فریب و حيله که از صفات مثبت پهلوانان است، ذکر کرد. همچنین چند مورد دیگر است که در هر اثر حماسی وجود دارد و می‌توان آن‌ها را نیز به این ویژگی‌ها افزود از جمله: وزن حماسی «فعولن فعولن فعولن فعولن» یعنی بحر متقارب، داستانی بودن، لحن حماسی و کاربرد واژگان تداعی - کننده فضای حماسی، قهرمانی بودن، عنصر زمان و مکان (ابهام در زمان و مکان)، اغراق و مبالغه و توصیف.

پیوند حماسه، دین و مذهب در ادب فارسی

نخستین حماسه دینی یادگار زیران، داستان نبرد ایرانیان با حیونان است که برای پاسبانی از دین زرتشت سروده شده است. قرن چهارم دوره طلایی نظم حماسه‌های ملی است و شاهنامه فردوسی نیز در همین دوره سروده شده است. فردوسی در

شاهنامه حماسه ملی ایرانیان را با عشق و ارادت به علی(ع) عجین کرده است. فردوسی، بزرگ حماسه سرای ملی، این گونه از سر اخلاص و ارادت درباره امیرالمؤمنین داد سخن می دهد:

یکی پهن کشتی به سانِ عروس بیاراسته هم چو چشمِ خروس
 محمد بدو اندرون با علی همان اهل بیتِ نبی و ولی ...
 اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و وصی گیر جای
 (فردوسی، ۱۳۷۳، ص ۶)

و با ژرف اندیشی و دید حکیمانه اش فرهنگ ایرانی را با دیانت اسلامی و مذهب تشیع پیوند می دهد، چنانکه استاد نصرالله پورجوادی می نویسد: «فردوسی یک شخصیت دوران ساز در تاریخ فرهنگ ایرانی است و شاهنامه سند پیوند معنویت فرهنگی ما با دیانت اسلام است» (پورجوادی، ۱۳۷۲، ص ۱۱). گویا در اولین حماسه بزرگ ملی که به ذکر مفاخر قوم ایرانی اختصاص دارد به نوعی گرایش های شیعی هم جزو مشخصه های فرهنگی آنها قرار گرفته و بعد از فردوسی هم مردم ایران در داستان های عامیانه و شفاهی که درباره فردوسی و شاهنامه ساخته اند، رابطه مذهب شیعه و ملیت ایرانی را خیلی پررنگ تر کرده اند تا جایی که بر اساس یکی از این داستان ها، فردوسی که به سبب رنج و ناراحتی به علت وخامت اوضاع در اندیشه کور کردن خویش بوده است و پس از مدتی بینایی خود را از دست می دهد، در خواب، علی (ع) به داد او می رسد و چشمانش را شفا می دهد (انجوی شیرازی، ۱۳۵۷، صص ۳۸ - ۲۳). بعد از فردوسی، اسدی طوسی اولین حماسه سرایی است که در نظم «گرشاسب- نامه» نسبت به جنبه های حماسی و ملی به موضوعات دینی و اخلاقی توجه بیشتری دارد. «حکیم اسدی به اظهار نکات فلسفه و مذهب و تاریخ و جغرافیا نظری خاص داشته، در فصول مقدماتی کتاب غالباً آیات قرآن مجید و احادیث را به عبارتی جامع و موجز ترجمه لفظی می کند...» (اسدی طوسی، ۱۳۵۴، ص ۳). کار اسدی طوسی را باید

مقدمه‌ای در راه تغییر و پیوستن تدریجی حماسه به عرفان در قلمرو ادبیات فارسی به شمار آورد.

در سدهٔ پنجم ناصر خسرو قبادیانی، تنها شاعری است که شعر را وسیله‌ای برای تبلیغ و ترویج افکار دینی قرار می‌دهد و به تعبیر خودش «به مدد سپاه دین و سپر خرد مبارزه‌ای نستوه را در برابر لشکر زمانه و تیغ تیز دهر» آغاز می‌کند و به اتکا مکتب خاص خود و احساسات ملت‌هپی که از مایهٔ مذهب و ارادت به خاندان پیامبر (ص) سرچشمه می‌گیرد، از شعر به عنوان سلاحی مؤثر در پیکار با جهل و بی‌دینی و بی‌خردی سود می‌جوید:

با لشکر زمانه و با تیغ تیز دهر دین و خرد بس است سپاه و سپر مرا
(ناصر خسرو، ۱۳۵۵، ص ۶)

در تاریخ شعر فارسی، اشعار دینی از شاعرانی مانند کسایی مروزی و ناصر خسرو آغاز شد و بعداً به وسیلهٔ شاعران شیعی مذهبی از قبیل: قوامی رازی، شاعر قرن ششم هجری، و ابن حُسام خوسفی، شاعر قرن نهم، محتشم کاشانی، شاعر قرن دهم، تکمیل شد. پس از آن در تمام دورهٔ صفویه و قاجاریه ادامه یافت. این اشعار معمولاً در ذکر مناقب یا مصائب اولیای دین و پیشوایان تشیع سروده شده است. رواج این نوع شعر در دورهٔ صفویه که عهد تقویّت مذهب تشیع و رسمی شدن آن در ایران است، از هر دورهٔ دیگر بیشتر بوده و در دورهٔ قاجاری نیز از رواج نیفتاد.

با توجه به پیشینه‌ای که از «حماسه» و «دین» و پیوند این دو در ادب فارسی بیان شد، می‌توان گفت که اگرچه تا قبل از ابن حُسام شاعران حماسه‌سرا و همچنین شاعران دینی بسیاری وجود داشته‌اند که در این وادی‌ها قلم‌فرسایی کرده‌اند و در مورد ائمهٔ دین سخن رانده‌اند، از جمله فردوسی که حماسهٔ ملی خود را با عشق علی (ع) درآمیخته است و تشیع و ایرانیت را با هم پیوند داده، ناصر خسرو به عنوان شاعری اسماعیلی مذهب و راسخ در شریعت و حلقهٔ اتصال حماسه و عرفان، مولوی با جهانی جلوه‌دادن مذهبش، کسایی مروزی شاعر شیعی، حافظ، سعدی، عطار و ... هر کدام از

جهتی به این مقوله پرداخته‌اند و باورهای مذهبی در زندگی و آثار آنان نقش عمده‌ای داشته است، اما همچنان که اطلاع داریم حماسه فردوسی، حماسه‌ای ملی است که برای دفاع از ملیت ایرانی سروده شده است و فردوسی در آن اشاره‌ای به دین و مذهب نیز کرده است و عشق و ارادت خود را به اهل بیت (ع) بیان داشته است. ناصر خسرو نیز حماسه و عرفان را با هم پیوند داده است. بقیه شاعران دینی نیز در مورد دین و اهل بیت جدای از شکل و قالب حماسی، شعر سروده‌اند، اما ابن حُسام در اثر ارزشمند خود خاوران‌نامه، از یک جهت به حماسه و ویژگی‌های حماسی توجه داشته و در عین حال از جهت دیگر از دین و پیشوایان دینی و رشادت‌های آنان و دوستی به آنها سروده است و حماسه و دین را در عالی‌ترین صورت با هم پیوند داده است. این شاعر دل به دین و رسالت محمدی سچرده و حبّ و ولای و صیّ نبی را به جان خریده و مذهب شیعه و دوستی دوستان اهل بیت (ع) و برائت از دشمنان علی (ع) و آل او را در سینه جای داده و با ترکیب این روحیه و پیشینه ظفرمندی و روح شور و حماسه‌گری باستانی و نیز ضمیر ادبی پاک و صیقل‌خورده که از اجداد و نیاکان پشت به پشت به او منتقل شده بود، به خلق حماسه‌ای با مضمون دینی و در مدح و نعت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) و وصف وقایع و رشادت‌های آنان در میدان‌های مبارزه دست زده است. از اینرو به جرأت می‌توان گفت ابن حُسام نخستین و بزرگترین بنیان‌گذار حماسه‌های دینی و مذهبی است.

وجود منظومه‌های حماسی در شرح دلاوری‌های مولا علی (ع) در ادبیات فارسی خود به تنهایی گواه آن است که مردم ایران میان آن حضرت و رستم (قهرمان دینی و قهرمان حماسه ملی) هم‌سوئی‌هایی می‌دیده‌اند و اصلاً حماسه و تشیع در ایران با یکدیگر دادوستدی مستمر داشته‌اند و تا به امروز نیز دارند. همچنین بیش از ده روایت مختلف در داستان‌های مردمی درباره حضرت علی (ع) و رستم در کتاب مردم و شاهنامه از شادروان انجوی شیرازی آمده است با این بُن‌مایه که قهرمانان حماسه‌های ملی در خدمت رسول (ص) و حضرت علی (ع) و اهل بیت (س) هستند از جمله: «عوام

ایران معتقد بوده‌اند که رستم هنوز زنده است و همراه با مهدی صاحب‌الزمان (عج) رجعت خواهد کرد و در رکاب وی خواهد جنگید. رستم کمریسته مولا علی (ع) است و به همین دلیل در همه جنگ‌ها پیروزی از آن او بوده و کسی نمی‌توانسته پشت او را به خاک بیاورد. به رستم از سوی خداوند وحی شده است. رستم بر دست مولا علی (ع) به آیین اسلام مشرف شده است. رستم به تلقین جبرئیل قرآن را از بر کرده است و ...» (انجوی شیرازی، ۱۳۵۴، صص ۱۲۷ - ۱۰۷).

با خواندن کتاب «مردم و شاهنامه» از استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی، می‌توانیم به استواری این پندار که میان حماسه و تشیع پیوندی ژرف در کار بوده است، یقین حاصل کنیم و بپذیریم که «تشیع حماسی‌ترین مکتب و مذهب در میان مکاتب و مذاهب اسلامی است» (سرامی، ۱۳۸۸، ص ۶۶۳).

ویژگی‌های حماسی خاوران‌نامه

۱ - نقش‌آفرینی حیوانات، موجودات خارق‌العاده، نیروهای متافیزیکی و غیبی

الف) حیواناتِ خاوران‌نامه نقش‌های شگفت‌انگیزی ایفاء می‌کنند: مثلاً ذلُّل، اسب حضرت علی (ع)، اسبی معمولی نیست. او با شیر می‌جنگد:

درآمد بدان شیرِ جنگ‌آزمای	برآورد دست و بیفشرد پای
چنان کاسه سُم بزد بر سرش	که مغزش فروریخت بر پیکرش
تنِ شیر بر خاکِ میدانِ فکند	همه پشتِ او را به دندان بکند

(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۵۷۴ - ۵۷۲)

ذلُّل پهلوانان زیادی از سپاه دشمن را نابود می‌سازد (خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۲۴۰۳ - ۲۳۸۱) و ذوالفقار علی (ع) را در بیشه می‌یابد و به دست حضرت می‌رساند (همان، ب ۳۰۳۴ - ۳۰۲۵). همچنین در این اثر سخن از ازدهای هفت‌سر و دیگر موجودات غیرعادی دیگری نیز به میان آمده است (همان، ب ۳۵۸۶ - ۳۵۶۱).

ب) جانور مهیب یا هیولایی به دست قهرمان خاوران نامه کشته می شود: مرسوم-ترین جانورکشی در حماسه‌ها، اژدهاکشی است. در خاوران نامه نیز علی (ع) اژدهای هفت سر را می کشد:

یکی تیغ زد بر سرِ اژدها به دو نیمه شد پیکرِ اژدها
بلرزید و بر خود بیچید مار یکی زخمِ دیگر زدش نامدار
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۳۵۷۹ - ۳۵۷۸)

همچنین اژدها و دیوهای دیگری نیز به دست علی (ع) کشته می شوند (همان، ب ۳۵۳۰ - ۳۵۲۸).

ج) وجود دیوان، غولان، جادوان و جادویی و طلسم در خاوران نامه چشمگیر است: وقتی جمشید از جنگ با حضرت علی (ع) شکسته و خسته می شود از شیخال جادو و سپاهش کمک می گیرد. شیخال با سپاهی که سلیح از مار و کژدم داشتند و از دهان این جادوان دود بیرون می آمد، جهان را پر از دود کرد به گونه ای که چشم‌ها جایی را نمی دید:

بیاراست شیخالِ جادو سپاه که دارد سپه را ز دشمن نگاه
نخستین از آن جادوان ده هزار همه صف کشیدند بر پیشکار
همه بر تن از مار و کژدم سلیح ز شمشیر و تیر و عمود و رمیح
(همان، ب ۸۶۶۷ - ۸۶۶۵)

کوه بلور جایگاه دیوان است. علی (ع) با آنها می جنگد و آنها را نابود می سازد (خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۵۵۸ - ۵۵۷ و ب ۵۸۱، ۶۸۸، ۶۹۱). دیو مالک را می رباید و به کوه طلسمات دال نزد زال جادوگر در بند می کند و علی (ع) او را نجات می دهد. (همان، ب ۵۳۵۵ - ۵۳۳۸).

د) وجود نیروهای متافیزیکی و غیبی از جمله هاتف، پیر، جبرئیل و خضر نبی: هنگامی که علی (ع) با سپاهش پس از فتح خاورزمین با کشتی به طرف سرزمین قهرمان روانه شدند و در راه طوفان کشتی را شکست و سپاهیان هر کدام به گوشه ای افتادند،

ابوالمحجن و علی(ع) سپرها را کشتی خود ساختند، آن‌گاه خضر نبی به یاری آنها آمد و آنها را نجات داد:

همان‌گاه خضر نبی شد پدید بر آن روی دریا بدیشان رسید
گرفت آن سپرها به آب اندرون همی برد تا شد ز دریا برون
(خوسفی، ۱۳۷۷، بب ۵۶ - ۵۵)

وقتی پیامبر از لشکرکشی خمار بی‌خبر بود، جبرئیل پیامبر(ص) را آگاه می‌سازد (همان، بب ۵۴۹۰ - ۵۴۸۶).

۲ - قهرمانان

الف) خاوران‌نامه متضمن جنگاوری، بهادری و شهنسوازی‌های علی(ع) و یارانش در سرزمین خاور با انگیزه‌ای مقدّس یعنی ترویج دین اسلام است.

ب) در خاوران‌نامه، پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) قهرمانانی هستند با مایه‌های الهی و فوق انسانی و اعمالی خارق‌العاده با تکیه بر دین و مذهب، همچنن جبرئیل، ملائک و نیروهای غیبی یاریگر آنها هستند. وقتی خمار خماره قصد حمله به مدینه و جنگ با پیامبر(ص) کرد و پیامبر از قصدش بی‌خبر بود، جبرئیل او را آگاه ساخت:

پیامد بدو جبرئیل امین ثنا خواند بر سید المرسلین
بدو گفت می‌آید از ره خمار به جنگ تو با لشکری بی‌شمار
(خوسفی، ۱۳۷۶، بب ۵۴۸۷ - ۵۴۸۶)

وقتی علی(ع) به مصاف دو سپاه جمشیدشاه و تهماسب‌شاه می‌رفت، جبرئیل او را می‌ستود. (خوسفی، ۱۳۷۷، بب ۳۸۴۳)

مالک اشتر با وجود سیصد جراحت با جامه پیامبر(ص) شفا می‌یابد:

چو بوی پیامبر به مال رسید شد آن زخم‌ها از تنش ناپدید
به هوش آمد آن نامور پهلوان چو مرده که او باز یابد روان
(خوسفی، ۱۳۷۶، بب ۹۲۰۱ - ۹۲۰۰)

تیغ علی(ع) سنگ خارا را می‌شکافت:

فرورفت ده گز به سنگِ سیاه بدو اندرون خیره شد چشم شاه
بدو آفرین کرد کای شیرِ جنگ که برید هرگز به پولاد سنگ
(خوسفی، ۱۳۷۷، بب ۹۸۹۱ - ۹۸۹۰)

علی (ع) به کوه آتش و نیز به درون چاه پر از اژدها و دیو می‌رود (خوسفی،
۱۳۷۶، بب ۱۰۸۵۱ - ۱۰۸۴۹).

جنگ‌های حضرت علی(ع) و یارانش در سرزمین خاوران با دیو و اژدها و جادو
و نهنگ و... همگی برای رواج و برقراری دین اسلام و مبارزه با کفر و بت‌پرستی در آن
سرزمین صورت می‌گیرد و ارزش دینی و مذهبی دارد.

ج) عشق بین زنان و قهرمانان در خاوران‌نامه: وقتی سعد وقاص به دست سپاه
نوادر اسیر می‌شود، دلفروز، دختر نوادرشاه، با دیدن کمان سعد در شگفتی می‌ماند و
عاشق سعد پهلوان می‌شود:

به مادر همی گفت هر دم که من چو زلفِ خود افتادم اندر شکن ...
هم‌اکنون کسی کاین کمان آن اوست دلم بسته بند و زندان اوست
(همان، بب ۱۱۲۸، ۱۱۲۵)

عشق گلچهر، دختر شاه خاوران، به مالک اشتر (همان، بب ۴۰۴۳ - ۴۰۴۱) و عشق
گل‌اندام، دختر کامکار وزیر جمشیدشاه، به ابوالمحقن، پهلوان سپاه اسلام (همان، بب
۹۰۰۷ - ۸۹۹۴) از نمونه‌های عشق زنان به قهرمانان در خاوران‌نامه است.

د) قهرمان و ضدقهرمان در خاوران‌نامه: علی(ع) در سرزمین خاور با قباد و
جمشیدشاه، در سرزمین قهرمان با شهریاربن کاوس‌شاه، در ساحل زمین با شاه تهماسب
و در سرزمین قام با صلصال‌شاه روبه‌رو است.

ه) قهرمان و سفر مخاطره‌آمیز: علی(ع) در مسیر قام از میان دو راه پربلا و راه
راست، راه پربلا را انتخاب می‌کند:

ولیکن یکی شیرِ پولاد چنگ کز آواز او خون خروشد پلنگ ...

به گوراب حیدر بگفت ای دلیر مرا آرزو کرد دیدار شیر
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۷۹۱۳ - ۷۹۱۲)

مالک گرفتار گرگ بیابانی می شود و سپاهش همه نابود می شوند (خوسفی، ۱۳۷۶،
ب ۳۹۰۲ - ۳۸۹۲). ابوالمحقن گرفتار سختی و گرما و موران سخدار می شود (همان،
ب ۵۱۸۰ - ۵۱۷۷) علی (ع) به درون چاه پر از اژدها و دیو و کوه آتش می رود.

(و) رجزخوانی قهرمان با ضد قهرمان: رجز خوانی خمار و نبرد پیامبر (ص) با او
(همان، ب ۵۶۰۸-۵۶۱۱). رجزخوانی علی (ع) در مقابل پهلوان ساحلی و نبرد با او:

منم شاه مردان و شیر خدای به مردی عدوبند و کشورگشای
من آنم که چون اسب را زین کنم بد اندیش را خشت، بالین کنم
(همان، ب ۲۸۱۸-۲۸۱۷)

رجز خوانی ابوالمحقن و قرطاس و نبرد تن به تن با یکدیگر (خوسفی، ۱۳۷۷،
ب ۲۱۰۳-۲۱۰۱)، رجزخوانی نوشاد و دعوت علی (ع) او را به اسلام و جنگ با او
پس از ایمان نیاوردن او (همان، ب ۴۸۳۶-۴۸۲۸) و (همان، ب ۴۸۵۲-۴۸۴۹)
رجزخوانی و نبرد علی (ع) و صلصال شاه (همان، ب ۸۹۶۴-۸۹۵۳).

(ز) فریب و نیرنگ به عنوان هنر و ابزار جنگ: کتمان نام برای فریب دشمن نیز در
خاوران نامه کاربرد زیادی دارد. علی (ع) خود را غشمشم و از سرزمین بربر معرفی می-
کند و به دربار جمشید راه می یابد:

به پاسخ علی گفت کز بربرم ز بربر به خاور بُد آبشخورم
گر از نام پرسی نمایم سپاس چو نام ندانی غشمشم شناس
(همان، ب ۲۲۷۱-۲۲۷۰)

سعد وقاص خود را شیبان مصری و ابوالمحقن را هامان رومی معرفی می کند و
نواد را می فریبند (خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۸۵۱ - ۸۴۶). عمرو امیه فریب کاری می کند و
دو شاگرد شیخال جادو را به نام عمرو و شاگردش در بند می کند و نزد سپاه می آید و
می گوید آگاه باشید که عمرو به سپاه آمده است. (همان، ب ۸۳۵۴ - ۸۳۵۲)

سلاح‌ها

الف) بهره‌بردن از انواع ابزارهای جنگی از قبیل گرز، شمشیر، نیزه، کمرگرفتن، کمندافکندن، تیر انداختن، کشتی‌گرفتن و ... : نبرد سعد و قطار و استفاده از انواع و اقسام سلاح در آن (تیرانداختن، شمشیر، کمرگرفتن):

نخستین گشادند تیرِ خدنگ	کمان‌هایِ طیار گوشه به چنگ ...
چو تیر اسپری شد به شمشیرِ تیز	نمودند هر دو دلاور ستیز ...
نود حمله کردند بر یکدگر	به تیر و به تیغ و سنان و سپر

(خوسفی، ۱۳۷۶، بپ ۱۴۵۱-۱۴۴۹)

سبک حماسه

الف) خاوران‌نامه مانند سایر آثار حماسی دارای سبکی عالی، فاخر و الفاظ سنگین است: تشبیه، استعاره، اغراق و غلو، و توصیفات جذّاب در آن موج می‌زند. کثرت اغراق و غلو که از عناصر ذاتی حماسه است در خاوران‌نامه نیز وجود دارد. توصیفات و تشبیهات زیبای ابن‌حسام در خاوران‌نامه نیز حال و هوای دینی دارد. اسامی و لغات طنین‌انگیز و قدیمی مانند غشمشم، ابوالمحجن، صلصال، طییلان، گوراب، کاموس، قطار، گرگین و لغاتی مانند ابر، چرنگیدن و ... نیز به چشم می‌خورد.

ب) وزن حماسی: خاوران‌نامه ابن‌حسام مانند سایر آثار حماسی در بحر متقارب سروده شده است.

ج) داستانی بودن: خاوران‌نامه نیز مانند سایر حماسه‌ها، مجموعه‌ای از حوادث و داستان‌هاست اما داستان‌هایی دینی که شخص اول آنها امام علی(ع) است.

د) لحن حماسی و کاربرد واژگان تداعی‌کننده فضای حماسی: کلماتی نظیر سپهر، درفش، گرز، خفتان، برگستوان، جوشن، کوپال، خود، گبر، تیغ، شمشیر، نیزه، سپر، عمود، فتراک، کوس، کره‌نای، سنان، پیکان، دشنه، خنجر، زوبین، ناوک، درع، گو، ساز، زه، کمان، کمند، ترنگاترنگ، جرنگیدن، چکاچاک، سهمیدن، پلنگ، نهنگ و ... هر یک

با کوله‌باری از معانی ثانویه است که به معنای نهایی که شاعر در پی ایجاد آن در ذهن خواننده است، کمک می‌کنند:

چکچاکِ شمشیرِ شیران ز دشت ز ایوان به کیوان همی بر گذشت
 عقابانِ خونخوارِ آزاد پر به خون ریختن کرده منقار تر
 سنان‌های تیز ستاره‌نشان تو گفتی نماند از ستاره نشان
 (خوسفی، ۱۳۷۶، بپ ۳۰۵۷-۳۰۵۵)

ه) عنصر زمان و مکان: در خاوران‌نامه به دلیل مایه گرفتن از حماسه‌ها و داستان‌های عیاری، سخن از مکان‌هایی می‌رود که بیشتر جنبهٔ تخیلی و داستانی دارد. شخصیت‌های انسانی این مثنوی همچون مالک اشتر، ابوالمحبجن و عمر بن امیه واقعیت تاریخی دارند، ولی پاره‌ای دیگر نظیر عملاق، قرطاس، عبدوی و نیز مکان‌هایی همچون حصن ضمان و حصن ظفر صرفاً ساختهٔ ذهن شاعر است و تنها از دید حماسی باید بدان‌ها نگریست. همچنین مواجههٔ حضرت علی(ع) با قباد و تهماسب، حکایت از زمان‌شکنی دارد، زیرا این دو شخصیت در زمان ان حضرت نمی‌زیستند و حضور حضرت علی(ع) در سرزمین‌های خاور (ایران، هند و ...) حکایت از بی‌مکانی است. (خائفی، ۱۳۸۰، ص ۵۴)

و) اغراق و مبالغه: کثرت اغراق و غلو که از ذاتیات حماسه است در خاوران‌نامه نیز به وفور دیده می‌شود. به عنوان مثال در وصف علی(ع):

سمندش چو گیرد به رفتن شتاب ز رفتار او پر بریزد عقاب
 اگر باد با او شود هم‌نبرد ز دنبال او باز ماند چو گرد
 (خوسفی، ۱۳۷۶، بپ ۱۸۳۲-۱۸۳۱)

ز) توصیف: آنچه خاوران‌نامه را از حیث ادبی بی‌بدیل و اعجاب‌انگیز و در میان آثار شعری ماندگار می‌نماید، هنر شاعری ابن حُسام در توصیف صحنه‌های رزمی بویژه بزمی آن است. اگر به اشعار او بویژه به صحنه‌آرایی‌هایی که در این مثنوی پرداخته و نیز اگر به توصیف او از آسمان و صورت‌های فلکی بویژه به وصف اعجاب‌انگیز و

ذوق‌پسند او از سپری‌شدن روز و شب و طلوع و غروب آفتاب و ماه و دیگر مناظر طبیعی، توصیف شخصیت‌ها و حالات و کردارهای آنان، توصیف اماکن و همچنین توصیف صحنه‌های جنگ، دقت شود، استادی و مهارت او را در سخن‌پروری و صحنه‌سازی و به‌کارگیری دقایق کلام هر چه روشن‌تر درمی‌یابیم. در وصف دل‌افروز دختر نوادرشاه که همسر سعد وقاص شد:

گل‌اندام سروی به رخسار ماه	یکی دخت بود اندر ایوان شاه
سر زلف او عنبر تاب‌دار	رخ روشنش آتش آب‌دار
کمان‌آوران خسته ابرویش	کمندافکنان بسته گیسویش
به خوبی چو ابروی خود طاق بود	دل‌آشوب و دل‌بند آفاق بود

(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۱۰۵۰-۱۰۴۷)

وصف فردوسی در باغی که ابن‌حسام به خواب دید (خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۱۱۳۲ - ۱۱۲۸). وصف شهر زرین که دال‌بن دال ساخته بود. (همان، ب ۳۵۰۷ - ۳۵۰۴)

الهام و پیشگویی در خاوران‌نامه زیاد به چشم می‌خورد:

بدان کس که این داستان کرد یاد	چنین گفت دانای تازی نژاد
چو بر نامه تازیان زد قلم	چنین گفت دانای تازی رقم

(همان، ب ۲۵۹۹-۵۱۳۵)

اگر خود زمین سربه‌سر لشکر است	عیان گفت پیروزگر حیدر است
-------------------------------	---------------------------

(همان، ب ۷۵۴۶)

ابوالمحبجن، پیامبر(ص) را به خواب می‌بیند که به او می‌گوید مالک زندانی است، او را نجات دهید. (همان، ب ۵۲۹۱-۵۲۸۸). شاه سمک پیامبر(ص) را در خواب می‌بیند که او را از آتش به کنار می‌کشد و نجات می‌دهد، پس از آن خواب مسلمان می‌شود و با سپاهش به علی(ع) ملحق گردد. (همان، ب ۷۸۳۸-۷۸۲۳)

دین

وقایع شگفت‌آور عظیم دینی موجب ظهور خلاقیت‌های هنرمندان و شاعران برای آفرینش حماسه‌های دینی شد، چنانکه رویدادهای بزرگ ملی، برای هنرمندان پیش از آنها انگیزه آفرینش حماسه‌های ملی قومی گشته بود. شاعران ایرانی از آبخورهای اولیه و عناصر حماسه‌ساز که در لابه‌لای متون دینی به وفور یافت می‌شود بهره‌گرفته و به پردازش ادبی و هنری آنها همت گماشتند و در نهایت آن سرمایه‌های اولیه دینی و تاریخی را به صورت آثار گران‌سنگ حماسی عرضه کردند.

در متون مذهبی و دینی، همچون قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، جاذبه‌های معنوی و هنری در فرآیند تبدیل حادثه به اثر ادبی پرشکوه حماسه، نسبت به متون دیگر از افزونی بیشتری برخوردار است. اهتمام شاعرانی که دست به خلق حماسه دینی زدند در لحاظ کردن قواعد هنری و ذهنی و خلاقیت ادبی و در نهایت آفرینش یک اثر ویژه حماسی بود تا بتوانند ضمن بازگ کردن حوادث و رویدادهای تاریخی که در زمان صدر اسلام رخ داده، به بیان بزرگواری‌ها و رشادت‌های بزرگان و مولایان مذهبی و نیز ابراز احساسات پاک و بی‌آلایش خود نسبت به این سرداران معصوم پردازند.

سرمایه‌های اولیه و عناصر حماسی در لابه‌لای متون دینی فراوان است؛ اما به پردازش ادبی و هنری نیاز دارد تا به صورت آثار حماسی عرضه گردد. در نهج البلاغه، آنجا که سپاه معاویه در نبرد صفین، شریعه فرات را گرفتند و مانع از آب برداشتن امام و یارانش شدند، امام(ع) فرمودند: «قَدْ اسْتَطَعْمُوكُمُ الْقِتَالَ، فَاقْرَؤْا عَلٰی مَذَلَّهٖ وَ تَاخِيْرٍ مَحَلَّهٖ؛ أَوْ رَوْؤُ السُّيُوفِ مِنَ الدَّمَاءِ تَرَوْوُا مِنَ الْمَاءِ. فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ، وَ الْحَيَاتُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ: شامیان با بستن آب شما را به پیکار دعوت کردند. اکنون بر سر دو راهی قرار دارید: یا به ذلت و خواری بر جای خود بنشیند، و یا شمشیرها را از خون آنها سیراب سازید تا از آب سیراب شوید». (نهج البلاغه، خطبه ۵۱)

عناصر این کلام امام(ع) از ذکر ابزار جنگی و تهییج و تشجیع علیه دشمن و عنصر قهرمان تا حوادث عظیم متعاقب آن، همه و همه دست‌مایه‌های حماسی به شمار می‌روند و با گسترش و پردازش، می‌توانند به حماسه‌های کامل ادبی تبدیل شوند. از نوشته‌های استاد مطهری در باب حماسه مستفاد می‌شود که سرمایه اولیه و عناصر حماسی در متون دینی فراوان است که ورود آنها در متون ادبی همراه با پردازش متناسب آنان با شیوه‌های حماسه‌سرایی سزاوار توجه است. استاد مطهری حتی برخی سوره‌های قرآن کریم مانند «والعادیات» یا بخش‌هایی از نهج‌البلاغه را کاملاً حماسی می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵)

جلوه‌های دینی در خاوران‌نامه

با تکیه بر آثار دینی، از جمله قرآن و نهج‌البلاغه که از کتب مقدّس دینی ما مسلمانان هستند، می‌توان این موارد را به عنوان مصادیق دین در هر اثری نام برد. توجه به اصول و فروع دین، ستایش و بزرگداشت پیشوایان دینی، دعوت به اسلام، اشاره به آیات قرآن و احادیث و ... در این جا به پاره‌ای از مصادیق دینی خاوران‌نامه اشاره می‌شود:

۱ - نام و یاد خدا: پهلوانان در خاوران‌نامه همه جا نام خدا بر لب دارند، قبل از مبارزه از خدا یاری می‌خواهند و کار را با نام خدا شروع می‌کنند، در حین مبارزه هر جا کوچک‌ترین گرفتاری پیش می‌آید از خدا راه حل می‌خواهند و خدا نیز بلافاصله چه از طریق هاتف و سروش غیبی و چه از طریق خواب و الهام و چه از طریق خضر نبی و جبرئیل به یاری آنان می‌شتابد. در میدان نبرد تنها از خدا یاری می‌خواهند و پس از پیروزی نیز سجده شکر به جا می‌آورند. برای ابطال سحر و جادو نیز کافی است نام خدا را بر لب بیاورند. در هنگام تعجب و شگفتی نیز نام خدا را بر زبان می‌آورند:

سپهد جهان آفرین را بخواند	به آب اندرون رفت و کشتی براند
سپهد مر او را به یزدان سپرد	و ز آن جایگه باد کشتی ببرد

نگهدار دل را به نام خدای بینیم تا دیو را چیست رای
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۲۴، ۵۵۲ و ۷۹۰)

۲ - دعوت به اسلام: علی(ع) و یارانش در همه جا ابتدا حریف را به اسلام دعوت می کردند و آن گاه پس از نپذیرفتن با آنها مبارزه می کردند. حتی در بعضی موارد چندین بار فردی را به اسلام دعوت می کردند. ابن حُسام از قول علی(ع) در خاوران نامه در این مورد می گوید:

چو با من به میدان کسی کینه جست از او دین اسلام جویم نخست
اگر سر در آرد برادر شود و گر سرکشی کرد بی سر شود
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۲۶۷۱-۲۶۷۰)

حضرت علی(ع)، زن قبط شاه را به اسلام دعوت می کند (همان، ب ۶۸۴۰-۶۸۳۹)، علی(ع) گلنار، خواهر تهماسب شاه، را به اسلام دعوت می کند (همان، ب ۶۸۴۹-۶۸۴۴)، علی(ع)، سربال، پسر صلصال شاه را قبل از نبرد به اسلام دعوت می کند. (همان، ب ۷۲۵۳-۷۲۵۲)

۳- ارتباط با اصول و فروع دین: در خاوران نامه شواهد بسیاری از اصول و فروع دین از جمله توحید و نعت پروردگار یکتا و نام و یاد خدا در همه لحظات، نبوت و مدح و ستایش پیامبر(ص)، امامت و ستایش امامان معصوم بویژه مولا علی(ع) مبارزه با ظلم و بی عدالتی، توجه به معاد و قیامت و اعتقاد به جهان پس از مرگ، توجه و برپاداشتن نماز حتی در میدان های نبرد، جهاد و مبارزه با هدف ترویج اسلام و دعوت طرف مقابل در نبردها به دین اسلام یافت می شود:

نخستین بدین نامه دلگشای سخن نقش بستم به نام خدای
یگانه خداوند بالا و پست گوا بوده بر هستیش هرچه هست
شه انبیا سیدالمرسلین شفیع شفیع رسول امین
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۲۸۷، ۳ و ۱)

در امامت و توسل به ائمه معصومین(ع) از جمله امام علی(ع) (خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۵۶۸-۵۳۵)، در عدل و داد و راستی مبارزه با ظلم و بیداد و ناراستی (خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۱۰۳۱-۱۰۱۹)، در معاد و رستخیز و اعتقاد به زندگی دوباره (همان، ب ۲۱۵-۲۱۲) در پاداش اعمال (همان، ب ۱۱۱۱-۱۱۰۴) توجه به نماز و نیایش پروردگار (همان، ب ۱۰۲۵ و ۷۰۰۳).

۴ - اشاره به آیات قرآن و احادیث: از آنجا که آبشخور حماسه‌های دینی نصوص دینی و مذهبی است و سرایندگان آنها نیز به متون و شخصیت‌های مذهبی و رفتار و گفتار آنان تعلق خاطر بس عظیم داشته‌اند و هم چنین به خوانندگان آثار خود به عنوان مخاطبینی دین‌مدار و محب اهل بیت عنایت می‌ورزیده‌اند، بنابراین هر جا که تناسب سخن اجازه داده، به نقل روایت‌های اهل بیت(ع) و آیات قرآنی به صورت عینی و ضمنی پرداخته‌اند. احمدی بیرجندی در مقدمه دیوان ابن‌حسام در این مورد می‌گوید: «ابن‌حسام به علت آن که قاری و کاتب و شاید هم حافظ قرآن مجید و به یقین حلیف کتاب‌الله بوده است، به مناسبت‌های مختلف در قصاید، تمام یا بخشی و یا کلمه‌ای از آیات مبارکات را می‌آورد و یا به صورت تلمیح در آثار خود بدان‌ها اشاره می‌کند». (احمدی بیرجندی، مقدمه، خوسفی، ۱۳۶۶، ص ۳۰)

- ابیات زیر اشاره به سوره توحید دارد: «قل هو الله احد - الله الصمد - لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد):

از آن پس بگویی که پروردگار	یگانه‌خدایی است بی مثل و یار
جز او بندگان را خداوند نیست	کسش یار و هم‌تا و پیوند نیست

(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۷۰۴۶-۷۰۴۵)

۵ - وجود قهرمانان دینی: قهرمانان خاوران‌نامه پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) از شخصیت‌های برجسته و پیشوایان دینی هستند.

۶ - نیروهای غیبی الهی و دینی از قبیل جبرئیل، خضر نبی، قرآن و پیامبر(ص) یاری‌گر قهرمانان هستند: در خاوران‌نامه، که اثری دینی است، قهرمان در لحظات

سخت خدا را فرامی‌خواند و خداوند خضر نبی و جبرئیل را به یاری آنان می‌فرستد. قهرمان قرآن می‌خواند و آتش بر او بی‌اثر می‌شود.

۷ - مناجات و یاری خواستن از خدا و پیروزی بر رقیب و امید و اتکای

پهلوان به حضرت حق با تمام زور بازو و توانمندی: پهلوانان، در خاوران‌نامه، با وجود زور بازو و توانمندی، نیرو و توان غلبه بر حریف را از خدا می‌خواهند. آنان قبل از مبارزه، خداوند را ستایش کرده و از او نیرو می‌خواهند و پس از پیروزی نیز سر بر آستان حق می‌سایند و به شکرانه توفیق و یاری خداوند، او را ستایش می‌کنند. سعد در دست قطار هنگام کشتن از خدا یاری می‌خواهد:

بنالید سعد آن زمان با خدای چنین گفت که ای داور رهنمای
 خلاصم ده از بند این کافران به حق نبی ختم پیغمبران
 (خوسفی، ۱۳۷۶، ب. ۱۵۳۶-۱۵۳۵)

حلقه‌های اتصال حماسه و دین در خاوران‌نامه ابن حُسام خوشفی

وقتی سخن از پیوند و اتصال بین دو امر پیش می‌آید، باید از تلفیق آن دو مورد، مورد سومی پیش آید که با هر دو طرف مشترکاتی داشته باشد. این جستار به بررسی پیوند حماسه و دین در خاوران‌نامه می‌پردازد، ابتدا یکایک ویژگی‌های یک اثر حماسی را در خاوران‌نامه بررسی کرده و پس از آن ویژگی‌های دینی این اثر را مورد بررسی قرار داده است و در پی اثبات این ادعا است که در خاوران‌نامه حماسه و دین با یکدیگر پیوند یافته، یا به عبارتی خاوران‌نامه حلقه اتصال حماسه و دین است. یعنی از یک طرف بیشتر ویژگی‌های یک اثر حماسی در آن وجود دارد و از طرف دیگر مشترکاتی با آثار دینی دارد. اکنون به ذکر موارد پیوند جنبه‌های حماسی با دینی در این اثر پرداخته می‌شود:

۱ - جنگاوری و بهادری امام علی (ع)، پیشوای دینی با هدف ترویج اسلام:

خاوران‌نامه از آن جهت که متضمن جنگاوری و شهنسوازی است اثری حماسی و از آن

جهت که قهرمان این بهادری‌ها مولا علی(ع) می‌باشد و هدف از این نبردها دعوت به اسلام و مبارزه با کفر و بت‌پرستی است، اثری دینی است. حضرت با تمام پهلوانی، از خدا یاری می‌خواهد:

چو افتاد حیدر در آن تیره چاه به جان‌آفرین کرد پشت و پناه
 برون کرد پای از رکیبِ یلی بایستاد بر خانهٔ زین علی
 (خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۹۶۰۰-۹۵۹۹)

۲ - قهرمانان خاوران‌نامه، پیشوایان دین و فوق طبیعی هستند: در این اثر پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) از جنبهٔ حماسی قهرمانانی فوق طبیعی بوده و از منظر دینی این اشخاص فوق طبیعی، پیشوایان دینی ما هستند که مایه‌های الهی و فوق انسانی دارند و جبرئیل و ملائک یاری‌گر آنها هستند. همچنین یارانشان نیز پهلوانانی فوق طبیعی هستند.

وقتی مدینه از سرداران و پهلوانان خالی شد (همگی به خاورزمین آمدند) خمار شماره قصد حمله به مدینه و جنگ با پیامبر(ص) کرد. پیامبر از قصدش بی‌خبر بود، جبرئیل به او خبر داد:

بیامد بدو جبرئیل امین ثنا خواند بر سید المرسلین
 بدو گفت می‌آید از ره خمار به جنگ تو با لشکری بی‌شمار
 (خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۵۴۸۷-۵۴۸۶)

۳ - در خاوران‌نامه دختری بیگانه عاشق پهلوان دینی می‌شود و از طریق پهلوان مسلمان می‌شود: اینکه در خاوران‌نامه زنی بیگانه عاشق پهلوان می‌شود و ازدواج برون-طایفه‌ای صورت می‌گیرد جنبهٔ حماسی و از این جهت که این زنان توسط پهلوانان به اسلام دعوت شده و مسلمان می‌شوند، جنبهٔ دینی اثر است. نکتهٔ دینی جالب توجه این است که پهلوان دینی هر جا عاشق می‌شود، درنگ می‌کند تا مولا علی(ع) بیاید و بین آنها به آیین اسلام عقد زناشوهری ببندد و هر چند که آن بانو با آنها همراه می‌شده ولی

به او نزدیک نمی‌شوند. نمونه آن مالک اشتر است که تا هنگامی که علی(ع) او را به آیین اسلام با گلچهر مَحرم نساخت به او نزدیک نشد:

بر او بر نشد دستِ مالکِ دراز ز صیدِ کبوتر نَگه داشت باز
به دل گفت چون شاهِ مردانِ علی بدین کشور آید به روشن دلی
به آیینِ اسلام پیغمبری ببندد نکاحِ زناشوهری
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۴۱۷۹-۴۱۷۷)

نمونه دیگر این عشق‌ها، عشق گل‌اندام به ابوالمحقن است (همان، ب ۱۰۵۳۰-۱۰۵۲۹).

۴ - در خاوران‌نامه نیروهای متافیزیکی (غیبی) نقش دارند، اما این نیروها خضر نبی، جبرئیل و آیات قرآن هستند: خاوران‌نامه از آن جهت که در آن نیروهای متافیزیکی و غیبی وجود دارد با حماسه مرتبط است و از آن جهت که این نیروها هاتف و سروش غیبی، پیر، خضر نبی، جبرئیل و ... هستند با دین در ارتباط است. - هنگامی که علی(ع) با سپاهش پس از فتح خاورزمین با کشتی به طرف سرزمین قهرمان روانه شدند و در راه طوفان کشتی را شکست و سپاهیان هر کدام به گوشه‌ای افتادند، ابوالمحقن و علی(ع) سپرها را کشتی خود ساختند، آن‌گاه خضر نبی به یاری آنها آمد:

همان‌گاه خضر نبی شد پدید بر آن رویِ دریا بدیشان رسید
گرفت آن سپرها به آب اندرون همی برد تا شد ز دریا برون
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۵۶-۵۵)

۵ - قهرمان خاوران‌نامه، قهرمانی دینی است نه ملی یا نژادی: قهرمانان خاوران‌نامه، پیشوایان دینی و قهرمانانی هستند که با هدف دعوت به اسلام می‌جنگند نه برای ملت و نژاد و همیشه نام خدا بر زبان دارند و پیروزی را از خدا می‌دانند. - حضرت علی(ع) در مصاف با قطار به او می‌گوید با این خنجر خونت را خواهم ریخت مگر این‌که اسلام بیاوری:

مگر سر در آری به فرمانِ من نیچی سر از پند و پیمانِ من
در آیی به دینِ خدا و رسول کنی از من اسلام و ایمان قبول
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۱۹۶۰-۱۹۵۹)

۶ - اعمال قهرمان در خاوران نامه خارق العاده، غیرطبیعی و بیشتر در بستر اعجاز و کرامت است که این از خصوصیات نبی و ولی در اسلام است: در خاوران نامه مانند سایر آثار حماسی، اعمال خارق العاده از پهلوان سر می زند اما این خرق عادات در بستر دین و اعجاز و کرامت است. مثلاً پیامبر(ص) به خواب مالک می رود و او را با سیصد جراحت، با یک دست کشیدن بر روی زخم هایش شفا می دهد:

به خواب اندرون مصطفی را بدید گلِ روضه اصطفی را بدید...
گشاد آن سر و دست معجزنمای بمالید بر خسته سر تا به پای
به هر جا که دست پیمبر رسید جراحت شد اندر زمان ناپدید
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۳۹۵۴-۳۹۵۱)

۷ - قهرمان دینی در خاوران نامه با ضد قهرمان کافر و بت پرست مواجه است: قهرمان خاوران نامه مانند سایر حماسه ها با یک ضد قهرمان مواجه است. اما تمام این تقابلهای و ضدیتها، ضدیت اسلام و کفر و مسلمانی و بت پرستی است. از این جهت که در این اثر، قهرمان با ضد قهرمان مواجه است حماسی و از این جهت که همه جا اسلام با کفر و مسلمان با کافر و بت پرست با هدف پیش برد دین، مواجه است صبغه دینی دارد. نبرد خمار و پیامبر(ص):

همی گفت من پهلوان سپاه خمار صف آرای لشکر پناه
تو را ای محمد کدام است مرد؟ که با من تواند شدن هم نبرد
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۵۶۰۹-۵۶۰۸)

۸ - قهرمان خاوران نامه برای برقراری اسلام و از بین بردن کفر به سفرهای مخاطره آمیز می رود: رفتن قهرمان به سفرهای مخاطره آمیز جنبه حماسی اثر و هدف از این سفرها که براندازی کفر و بت پرستی و برپایی اسلام است و قهرمان در این

مخاطرات با نام و یاد خدا و یاری جبرئیل و خضر و قرآن نجات می‌یابد، از جنبه‌های دینی آن است.

- کشتی علی(ع) در پی تهماسب‌شاه در مسیر دریا به نهنگی می‌رسد، علی(ع) لشکر را دلداری می‌دهد و خود به جنگ نهنگ می‌رود:

شما پیش یزدان نیایش کنید جهان‌آفرین را ستایش کنید
من و روی دریا و رزم نهنگ بینم که دارد پی و زور و چنگ
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۶۶۷۵-۴۶۷۴)

۹ - اعمال قهرمان در خاوران‌نامه اهمّیت مذهبی و دینی دارد نه ملی و ...:

جنگ‌های حضرت علی(ع) و یارانش در سرزمین خاوران با مردم کافر و دیو و اژدها و جادو، همگی برای ترویج دین اسلام و مبارزه با کفر صورت می‌گیرد و ارزش دینی و مذهبی دارد و همه جا مردم را به اسلام دعوت می‌کنند. ابن حُسام از قول علی(ع) در خاوران‌نامه در این مورد می‌گوید:

چو با من به میدان کسی کینه جست از او دین اسلام جویم نخست
اگر سر درآرد، برادر شود اگر سرکشی کرد بی‌سر شود
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۲۶۷۱-۲۶۷۰)

۱۰ - نبرد تن به تن و رجزخوانی قهرمان مسلمان با ضدّ قهرمان (کافر): از آنجا

قهرمان و ضدّ قهرمان رجزخوانی کرده و بین آنان نبرد تن به تن صورت می‌گیرد (حماسه) این نبردها بین قهرمان دینی و قهرمان کافر و بی‌دین و برای ترویج دین صورت می‌گیرد، جنبه دینی اثر محسوب می‌شود. رجزخوانی علی(ع) در مقابل پهلوان ساحلی و نبرد با او:

من آنم که چون اسب را زین کنم بداندیش را خشت بالین کنم
من آنم که چون برکشم ذوالفقار پر از خون کنم دشت و هامون و غار
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۲۸۱۹-۲۸۱۸)

۱۱ - پهلوانان خاوران‌نامه از فریب‌دادن به عنوان یکی از ابزارهای جنگ برای

پیشبرد اهداف دینی و ترویج اسلام و در جهاد با دشمن استفاده می‌کنند: استفاده از فریب و مکر که از ویژگی‌های حماسه است، برای رسیدن به اهداف اسلامی و ترویج دین و جهاد و غلبه بر دشمن کافر و بت‌پرست، پیوند حماسه و دین را بیان می‌کند.

- علی (ع) در پاسخ فرستاده سفیان حاکم حصن بیاض، خود را جهانگردی از بربر

معرفی می‌کند:

به پاسخ علی گفت کز بربرم سران را به مردانگی افسرم
جهان گشتمم آرزو خواسته است بدین آرزو جانم آراسته است
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۱۸۴۰-۱۸۳۹)

۱۲ - در خاوران‌نامه، پیش‌گویی، الهام و گشایش کار در خواب که از ویژگی-

های حماسه است، برای گشایش کار پهلوانان دینی و پیشبرد اسلام به کار می‌آید: پیامبر (ص) به خواب افراد می‌روند و آنها را به اسلام دعوت می‌کنند. در طلسمات دال پیشگویی شده بود که علی (ع) پیروز میدان خواهد بود. وقتی دشمن قصد فریب مسلمانان را داشت، در خواب این راز بر پیامبر (ص) گشوده شد. این ویژگی حماسی در خدمت دین و گشایش و پیروزی پهلوانان اسلام است.

- وقتی ابوالمحقجن از سعد بی‌خبر بود، در خواب، رسول خدا او را به سوی سعد

راهنمایی کرد:

به خواب آمد او را رسول خدای بدو گفت برخیز و منشین ز پای
که سعد اندر اند آن تنگ تابوت بود تو را رفت باید به دنبال زود
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۱۳۹۹-۱۳۹۸)

۱۳ - دیو، جادو و جادویی در خاوران‌نامه وجود دارد اما پهلوانان دینی با نام و

یاد خدا و یاری نیروهای الهی و غیبی آن را نابود می‌سازند: پهلوانان دینی با نام خدا و خواندن آیت ستر، دود و آتش تولیدشده توسط جادوان را نابود می‌کنند. دیو و طلسم

و جادو جنبه حماسی و مبارزه و نابودسازی آنان با سلاح دین و نام الله حکایت از جنبه دینی اثر دارد.

- وقتی جمشید از جنگ با علی(ع) شکست می خورد، از شیخال جادو و سپاهش کمک می گیرد. شیخالبا سپاهی که سلیح از مار و کژدم داشتند جهان را پر از دود کرد به گونه ای که چشم ها جایی را نمی دید:

که شیخال جادو و جادو سپاه چو در مرز خاور گرفتند راه
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۸۲۸۱)

سواری از جادوان سپاه شیخال جادو به نبرد اسلامیان می رود و ابوالمحجن با او مقابله می کند و با جادوگری عرصه را بر ابوالمحجن تنگ می کند تا برمی گردد:

چو بوالمحجن شیردل بنگرید مر آن جادوی بدهنر را بدید
ز پیش سواران برانگیخت اسب بر جادو آمد چو آذرگشسب
چو جادو نگه کرد و او را بدید یکی باد در چشم اسبش دمید
(همان، ب ۸۷۰۴-۸۷۰۲)

۱۴ - در خاوران نامه زندگی پهلوانان دینی با اقتدار و عظمت و درعین حال

سادگی نمود یافته است: اقتدار و عظمت جنبه حماسی و اینکه پیامبر(ص) و علی(ع)، یعنی پیشوایان دینی، به بزرگی و عظمت ستوده می شوند، جنبه دینی اثر است و عنصری حماسی در خدمت دین و ستایش نبوت و امامت قرار گرفته است و با هم پیوند یافته است.

در خاوران نامه هر چند پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) مانند سایر مردم ساده زندگی می کردند اما شاعر آنها را به بزرگی و عظمت ستوده است، مدح و ستایش پیامبر اعظم(ص):

شه انبیا سید المرسلین شفیع شفیع رسول امین
امام دو محراب و ذوالقبلتین نبی الهدی مهتدی الخافقین
دنی پایه قرب «ادنای» اوست قبای «فاوحی» به بالای اوست

به یک تاختن نه فلک تاخته
ملک در رکابش پر انداخته
فلک را سعادت ز معراج اوست
ملک را ارادت به منهج اوست
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۲۹۱-۲۸۷)

اما در اینکه نامه‌اش به نام علی(ع) است به خود می‌نازد و در مقام مفاخره نسبت به فردوسی می‌گوید:

اگر طوسی از شاهنامه سخن
به آرایش رستم افکند بُن
سخن در بلندی به جایی رساند
که اندیشه از درک آن بازماند
ولی نامه من به نام علی است
می صافی من ز جام علی است
(خوسفی، ۱۳۷۷، ب ۱۲۹۱۴-۱۲۹۱۱)

۱۵ - توصیف که از ویژگی‌های حماسه است در این اثر با الفاظ و شخصیت‌

های دینی گره خورده و بیان شده است و به طور کلی حال و هوای دینی دارد: ابن حُسام در جایی در توصیف صبح، سپیده را به ایمان و سیاهی را به کفر تشبیه کرده:

چو شب دامن اندرکشیدن گرفت
گریبان مشکین دریدن گرفت
سپیده چو ایمان بگسترده نور
سیاهی چو کفر از جهان گشت دور
(خوسفی، ۱۳۷۶، ب ۷۰۰۵-۷۰۰۴)

نتیجه‌گیری

خاوران‌نامه ابن حُسام از منظومه‌های مهم حماسی ایران و از بهترین نمونه‌های حماسه دینی در ادب فارسی است که از ارزش شعری و مقام ممتازی برخوردار است و حلقه اتصال حماسه و دین بشمارد می‌رود. وجود جنبه‌های قوی حماسی و دینی را در هم آمیخته و از طریق ادبیات حماسی زندگی بزرگان دینی، لطایف قرآنی، احادیث و اخبار مذهبی را به رشته نظم در آورده است. تکیه او بر دین و ارزش‌های اخلاقی است که ضمن ذکر شجاعت‌های امام علی(ع) در قالب حماسه و پهلوانی و جنگاوری، بیان-

گر روح خداجویی و دوستداری ائمه اطهار و عشق به مولا علی(ع) و تعهد و تقید به مذهب و پای بندی به دین و مذهب است. در این اثر، حماسه در خدمت دین و برای ترویج دین به کار رفته است. می توان گفت ابن حُسام نخستین شاعری است که در اثر ارزشمند خود - خاوران نامه - از یک جهت به حماسه و ویژگی های حماسی توجه داشته و در عین حال از جهت دیگر با بیانی شیوا و دلنشین و زبانی نرم، به گونه ای تازه و بدیع از دین و پیشوایان دینی و رشادت های آنان سخن گفته است. این شاعر، دوستی اهل بیت (ع) را در سینه جای داده و با تکیه بر واژگان خاص حماسی، به خلق حماسه ای با مضمون دینی در مدح و نعت پیامبر (ص) و حضرت علی(ع) و وصف وقایع و رشادت های آنان در میدان های نبرد دست زده است. هدف اصلی این اثر حماسی توجه به اصول و فروع دین، دعوت به اسلام، اشاره به آیات قرآن و احادیث و مناجات با خدا و یاری خواستن از او و اتکای به نیروی خداوند است نه زور بازو، و چنین است که حماسه و دین به صورت تاروپود این اثر در آمده است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب ها:

۱- قرآن کریم.

۲- نهج البلاغه، علی بن ابیطالب(ع)، (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).

۳- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد، (۱۳۵۴)، گرشاسب نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری.

۴- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم، (۱۳۵۴)، مردم و شاهنامه، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۵- پورجوادی، نصرالله، (۱۳۷۲)، بوی جان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

- ۶- خوسفی، محمدبن حُسام، (۱۳۶۶)، دیوان اشعار، به کوشش احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک، مشهد، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
- ۷- رزمجو، حسین، (۱۳۶۸)، انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۸- سرامی، قدمعلی، (۱۳۸۸)، از رنگ گل تا رنج خار، شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، انواع ادبی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۰- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۴)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۱- -----، (۱۳۷۹)، حماسه سرایی در ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، شاهنامه فردوسی، ویراسته مهدی غریب و محمدعلی بهمنی، تهران، انتشارات توس.
- ۱۳- واعظی، مرادعلی، (۱۳۸۹)، اندیشه و بیان ابن حسام خوسفی، ناشر: حوزه هنری خراسان جنوبی، به همکاری محمد بهنام‌فر، علی‌اکبر سام‌خانیانی، سید محمد سیدی.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، حماسه حسینی، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۱)، شاعر آینه‌ها، تهران، نشر آگاه.

۱۶- ناصر خسرو، (۱۳۵۵)، دیوان اشعار، به تصحیح: حاج سید نصرالله تقوی، اصفهان، انتشارات کتابفروشی تأیید.

ب) مقالات:

- ۱- بیهقی، حسینعلی، (۱۳۷۸)، «حماسه‌های دینی شفاهی در ادب عامه»، خراسان پژوهی، سال دوم، شماره دوم، شماره ۴ پیاپی، صص ۱۸۱ - ۱۷۱.
- ۲ - خائفی، عباس، (۱۳۸۰)، «واقعیت و اسطوره در شعر ابن حُسام خوسفی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند (ویژه ابن حُسام خوسفی)، شماره اول، صص ۵۷ - ۵۱.
- ۳ - ذکاء، یحیی، (۱۳۴۳)، خاوران‌نامه، مجله هنر و مردم، خردادماه، ص ۲۰.
- ۴ - ناصح، محمد مهدی، (۱۳۷۸)، «خاوران‌نامه، نوش داروی جان‌بخش ابن حُسام»، خراسان پژوهی، سال دوم، شماره دوم، شماره ۴ پیاپی، صص ۱۴۷ - ۱۲۹.
- ۵ - یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، «شناخت مفاخر، شناخت خراسان»، خراسان پژوهی، سال دوم، شماره دوم، شماره ۴ پیاپی، صص ۹-۵.

ج) سایر منابع:

- ۱ - خوسفی، محمدبن حُسام، (۱۳۷۷)، خاوران‌نامه، نیمه دوم خاوران‌نامه، تصحیح حمیدالله مرادی، براساس نسخه خطی «هنرهای تزیینی تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲ - -----، (۱۳۷۶)، خاوران‌نامه، نیمه اول خاوران‌نامه، تصحیح حیدرعلی خوش‌کنار، براساس نسخه خطی «هنرهای تزیینی تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.